

کارلوس کی‌روش جواب بدهد

چرا سامان قدوس «نه»؟!؟

داستان سامان قدوس و تیم ملی، قصه لیلی و مجنون است. همه از توانایی های سامان خبردارند ولی این چه رازی است که آنها به هم نمی‌رسند؟ مثلاً علی قلی‌زاده فرصت اشتباه دارد. اگر دو نیمه هم بد باشد، مربی در زمین حفظش می‌کند اما برای سامان قدوس داستان طور دیگری است. فقط لازم است یک نیمه بد باشد تا سریعاً تعویض شود. تازه اگر در زمین باشد و اگر مربی به او فرصت بدهد. سامان در دیدار انگلیس اصلاً شانس بازی به دست نیاورد. همه قبل از بازی می‌گفتند او بازی خواهد کرد. خبرنگاری می‌گفت: «مگر می‌شود بازی نکند؟ سامان تنها بازیکنی است که دو سال است با انگلیسی‌ها تنه به تنه شده. در لیگ برتر حضور دارد. کی‌روش اینقدر بی‌تجربه است که یکی مثل او را بازی ندهد؟ هم قدرت شوتزنی دارد هم دریبل. می‌تواند بازی‌سازی کند.»

ولی خب انگار حتی این توانایی‌ها کافی نبود تا کارلوس کی‌روش به سامان قدوس یک دقیقه بازی دهد. ترجیح مربی پرتغالی این بود که علی‌کریمی معمولاً مصدوم را در زمین بگذارد. انگار دیروز کی‌روش تمام قوانینش را برای همه زیرپا گذاشت الا برای سامان قدوس. میلاد محمدی را بعد از مدت‌ها فیکس بازی دارد. سیدمجید حسینی که آخرین بار در جام جهانی روسیه خوب بازی کرد را در ترکیب گذاشت و روزبه چشمی را در قلب خط دفاعی گذاشت. کی‌روش تصمیماتی گرفت که عجیب بود اما حتی در این شرایط نامتعادلش در نزدیکی ۷۰ سالگی، جایی برای یکی مثل قدوس نداشت.

از سامان که بعد از بازی با انگلیس شبیه بهت زده‌ها بود پرسیدیم فکر می‌کند چرا بازی نکرد که جوابی نداد و رفت. سامان هم گیج شده که اینجا چه خبر است. نه در جام جهانی قبلی فرصت آنچنانی برای بازی داشت نه در جام ملت‌های امارات ۲۰۱۹. نه

در مقدماتی جام جهانی

۲۰۲۲ فرصت خوبی به او رسید و نه حالا که می‌خواهد خودش را نشان دهد. پس کی نوبت قدوس می‌شود آقای کی‌روش؟!؟

کاری که از کی‌روش و تیم ملی ایران در کوتاه‌ترین زمان بر می‌آید

ماموریت بازسازی

نسل جدید شاید خیلی «چینی‌بندزن»‌ها را نشناسد. از آن شغل‌هاست که در گذر زمان در میان پاساژهای بزرگ و مال‌های خفن گم شد. ... اما چینی‌بندزن‌ها معجزه‌گران دوران خود بودند. آنها ظروف چینی را چنان ترمیم می‌کردند که گاهی انگار اصلاً اتفاقی نیفتاده است. مهارت چینی‌بندزن در آن بود که آثار شکستگی و خرد شدن‌های قبلی کمتر – چه در کارایی و چه در زیبایی – مشهود باشد.

پس از شکست تیم ملی ایران مقابل انگلستان که به یک فاجعه در معنای فوتبالی آن می‌مانست، وظیفه کارلوس کی‌روش بیشتر از همیشه دشوار است. کی‌روش که پیش از بازی گفته بود از همه تجربه و تخصصش برای موفقیت ایران استفاده می‌کند، حالا بیش از هر زمان دیگری به این تجربه و تخصص نیاز دارد.

چینی شکسته تیم ملی ایران به ترمیم نیاز دارد، به بند زدن نیاز دارد. این ترمیم در چند بعد باید صورت گیرد. مهم‌ترین بعد، بعد روانی است. تیم‌ها پس از هر شکست بزرگی، حتی در شرایط عادی هم نیاز به یک بازسازی هوشمندانه دارند. کارلوس کی‌روش باید در نقش یک روانشناس در این شرایط نه چندان عادی، روحیه تیمش را به روحیه یک تیم پراورده برگرداند، فرصت کم است اما این کاری است که باید انجام شود. اما وقتی روح این تیم نیست که نیاز به بند زدن دارد. جسم این تیم هم برابر انگلستان شکننده نشان می‌داد. کی‌روشی که مقابل انگلیس دیدیم، غریبه‌ترین کی‌روشی بود که تا به حال می‌شناختیم. مهره چینی بد و در کنار استراتژی و گیم پلن بدتر، سرشار از غلط بود. اینها همه باید ترمیم شود. اولین جایی که نیاز به بازنگری بزرگ دارد، خط دفاعی است. کی‌روش باید این پاشنه آشیل را از اول درون آب کند. اولین سوال این است که چرا از زوج شجاع خلیل‌زاده و کتعمانی‌زادگان باید عبور کرد و خیلی سوال‌های دیگر به ویژه درباره مدافعان کناری مخصوصاً آنی که انگار در ۴ سال گذشته فوتبال بازی کردن یادش رفته! هافبک دفاعی تیم و چیدمان آن خودش الان یک چالش بزرگ است. فکری برای آن کرد. خلاصه به جز مهدی طارمی همه آدم‌های لیست تیم ملی نیاز دارند که دوباره از نو درباره‌شان فکر شود. کارلوس کی‌روش یک ماموریت بزرگ دارد؛ ماموریت بازسازی! او باید نشان دهد که همه تجربه و تخصصش به یک دردی می‌خورد.



آمریکا یک فوتبال ماشینی دارد تمامی بازیکنانش به صورت آکادمیک فوتبال را یاد گرفته‌اند اما از خلاقیت بی‌بهره‌اند. از آن طرف ما یک مهاجم باهوش به نام طارمی داریم. در آکادمی که فوتبالیست باهوش بار نمی‌آورند، فقط به او یاد می‌دهند چگونه اصولی بازی کند. به هر حال ضعف آمریکا این است که بیش از اندازه روی تربیت نسل فوتبالیست‌ها در آکادمی‌ها تکیه دارد. همین باعث می‌شود فوتبالش بگیر، نگیر داشته باشد.

[۱] به این اشاره کردید که ترس بازیکنان ما پس از دیدار با انگلیس ریخت. ولی واقعا می‌شود روی این موضوع حساب کرد؟

بله. اما باید به چیزهای دیگری هم اشاره کنم. من خیلی دلم برای حسین حسینی سوخت که در این وانفسا وارد میدان شد و در نخستین تجربه جام جهانی ۶ گل خورد. راستی تا یادم نرفته باید بگویم کی‌روش باید بداند که ما بدجوری از دفاع چپ ضربه می‌خوریم. چرا فکری به حال این منطقه نکرده بود؟ چرا ما جلوی مهاجمان انگلیس را نمی‌گرفتیم؟ البته دلم برای لژیونرهای مان هم سوخت. به نظرم با اتفاقاتی که در دیدار با انگلیس افتاد اینها از تیم‌های خودشان برگشت بخورند به ایران. البته به غیر از سردار آزمون و مهدی طارمی.

[۲] خودتان هم در جام جهانی بازی کردید. جام جهانی آن زمان چقدر با الان تفاوت دارد؟

خیلی زیاد. آن زمان کلاً فرمول مسابقات و نحوه گزینش تیم‌ها هم متفاوت بود. اما احساس خوشایندی که برای نخستین حضور در جام جهانی داشتیم هنوز در دلم مانده است. ولی باید این را هم بگویم که من چه دردی داشتم. زانویم را عمل کرده بودم و تا یک ماه مانده به جام جهانی هنوز نمی‌دانستم که آیا بازی خواهیم کرد یا خیر. به هر حال در جام جهانی ۱۹۷۸ اگر ما پورا می‌بردیم صعود می‌کردیم اما شکست خوردیم. دقیقه ۶۰ همان مسابقه هم همسرتینگم پاره شد و درد بیشتری کشیدم. آمادگی بدنی نداشتم و همه چیز مملو از درد بود. به هر حال تنها احساس خوب این بود که برای اولین بار به جام جهانی رفته بودیم. این خیلی فرق می‌کند که برای اولین بار بروید یا این که برای بار سوم. احساس اول بودن خیلی قشنگ است.

